

گزارشی از جهانی که مرتضی فرهادی، از فرهنگ یاری‌گری ایرانیان روایت می‌کند

ایستاده برای مردی که برای ایران ایستاد

گزارش

زهرا کشوری
دبیر گروه زیست بوم

هیچ‌کس بهتر از خود مرتضی فرهادی نمی‌تواند مرتضی فرهادی را روایت کند؛ پژوهشگری که سال‌ها از فرهنگ، تاریخ و دانش بومی ایران گفته و در آثارش از گنجینه‌ای کمتر شناخته‌شده پرده برداشته است: فرهنگ یاری‌گری و مهربانی ایرانیان با انسان، حیوان و طبیعت. در آیین «بازایستاده»، سخنرانان از وجوه مختلف اندیشه او گفتند، اما روایت خود استاد از «کشاورزی مهربانانه»، «زیست‌بوم‌داری» و سنت فراموش‌شده «کتاب‌شنوها»، تصویری زنده از جهانی ارائه کرد که در مسیر مدرن‌سازی به حاشیه رفته است؛ جهانی که در آن کشاورز نه فقط برای خود و خانواده‌اش، بلکه برای چرنده و پرنده و نیازمندان نیز بذر می‌کاشت و انسان خود را جدا از طبیعت نمی‌دانست.

خدمات ماندگار مرتضی فرهادی

دکتر فرشاد مؤمنی، اقتصاددان و استاد دانشگاه علامه طباطبایی، در آیین نکوداشت مرتضی فرهادی استاد تمام مردم شناسی و جامعه شناسی، آثار و اندیشه‌های او را از مهم‌ترین منابع شناخت ظرفیت‌های بومی ایران و دستیابی به توسعه درون‌زا دانست. او گفت یکی از دغدغه‌های اصلی فرهادی این است که اگر خود را درست بشناسیم، آنچه را خود داریم از بیگانه طلب نمی‌کنیم؛ موضوعی که به گفته او، یکی از رموز استقلال ملی است. مؤمنی با اشاره به پژوهش‌های فرهادی درباره کشاورزی گفت: «او نشان داده است که کشاورزی، با همه پیچیدگی‌ها و ظرفیت‌هایش، می‌تواند یکی از مهم‌ترین نیروهای محرکه توسعه ملی باشد.» به گفته این اقتصاددان، جامعه روستایی و بخش کشاورزی، با وجود بی‌عدالتی‌ها و کم توجهی‌ها، از قابل اعتماد‌ترین بخش‌های اقتصاد ایران بوده‌اند؛ اما مناسبات رانتی و روایت‌های سفارشی، برای مصون نگه‌داشتن منافع مافیای سدسازی و تخریب منابع آب، کشاورزی را متهم اصلی بحران آب معرفی می‌کنند. مؤمنی، فرهادی را از مدافعان جدی علم در برابر چنین تحریف‌هایی دانست.

او همچنین با انتقاد از پنهان‌کاری آماری و شیوه «پاورپوینتی»، بر ضرورت ثبت و انتشار داده‌ها و شناخت واقعیت‌های اجتماعی تأکید کرد و گفت: «بدون شفافیت اطلاعات، نمی‌توان خطاهای تصمیم‌گیری را شناخت و سیاست‌های فقرزا را اصلاح کرد.»

مؤمنی تاریخ را «مخزن‌الاسرار توسعه ملی» خواند و بازشناساندن فرهنگ همکاری و یاری‌گری در تمدن ایرانی را یکی از خدمات بزرگ فرهادی دانست. به اعتقاد او، توسعه یک «بازی هم‌آوری» است و بدون همکاری اجتماعی امکان‌پذیر نیست؛ از همین رو، بازنمایی تجربه‌های تاریخی یاری‌گری در ایران از دستاوردهای ارزشمند پژوهش‌های فرهادی به شمار می‌رود. این استاد دانشگاه، نگاه تولیدمحور فرهادی در کشاورزی و صنعت را راهی برای کاهش وابستگی دانست و تأکید کرد تعامل مؤثر با جهان، نیازمند توان تولید و اتکا به ظرفیت‌های درونی است. مؤمنی، آثار فرهادی را سرمایه‌ای معرفتی برای خودشناسی، استقلال ملی و توسعه درون‌زا دانست و برای تداوم حضور و خدمات علمی این استاد آرزوی سلامتی کرد.

فرهنگ تعاون

محمد حسین پاپلی یزدی، استاد پیشکسوت جغرافیا، مرتضی فرهادی را از پژوهشگران برجسته‌ای دانست که ریشه‌های پایداری جامعه ایران را در فرهنگ بومی، همزیستی و همیاری جست‌وجو کرده است. او با اشاره به کتاب «یاری‌گری» گفت: «فرهادی نشان می‌دهد حتی کم‌درآمدترین اقشار جامعه، مانند دامداران خُرد نیز با تکیه بر تعاون و مشارکت‌های سنتی زندگی خود را اداره می‌کنند. نمونه آن، شراکت زنان در شیردوشی است؛ رابطه‌ای که فراتر از یک مبادله اقتصادی، جلوه‌ای از دوستی و زندگی جمعی به شمار می‌رود.» به باور پاپلی یزدی، مدیریت آب، کشاورزی و دامداری در ایران نیز همواره بر پایه خرد جمعی و همکاری شکل گرفته است.

او این سنت‌های چندنسلی را از عوامل تاب‌آوری ایرانیان در برابر شرایط اقلیمی گوناگون و بهره‌برداری پایدار از منابع محدود دانست. پاپلی یزدی با یادآوری همکاری خود با فرهادی از سال ۱۳۶۵ در مجله «تحقیقات جغرافیایی»، به مقالات ارزشمند او، از جمله مقاله «چوم سوزان»، اشاره کرد؛ مقاله‌ای که مورد توجه پژوهشگران بین‌المللی قرار گرفت و پیش از گسترش اینترنت برای محققان دیگر کشورها ارسال می‌شد.

این استاد جغرافیا، یکی از مهم‌ترین وجوه اندیشه فرهادی را تبیین گذار از سنت به مدرنیته دانست و تأکید کرد: «نوسازی بدون شناخت فرهنگ و گذشته بومی امکان‌پذیر نیست. حتی پیشرفته‌ترین صنایع نیز برای ایجاد انسجام میان کارگران و صاحبان سرمایه، به شناخت فرهنگ جامعه نیاز دارند.»

به گفته پاپلی یزدی، آثار فرهادی صرفاً اسنادی از گذشته نیستند، بلکه راهکارهایی عملی برای تقویت همبستگی اجتماعی در جامعه و دنیای صنعتی امروز ارائه می‌کنند.

سبک فرهادی

دکتر غلامرضا لطیفی، رئیس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی با اشاره به بیش از سه دهه شاگردی در محضر مرتضی فرهادی، از او به‌عنوان سرمایه‌ای بی‌بدیل در مردم‌شناسی ایران یاد کرد؛ پژوهشگری که این رشته را از کلیشه‌های وارداتی فاصله داد و به ریشه‌های بومی و فرهنگی ایران پیوند زد. لطیفی با اشاره به تأثیر کتاب «مالک و زارع در ایران» اثر لمبتون بر شکل‌گیری اندیشه فرهادی گفت مطالعه این اثر زمینه‌ساز شکل‌گیری نظریه «انسان شناسی یاری‌گری» شد؛ نظریه‌ای که بر نقش فرهنگ همکاری، انسان‌مداری و یاری متقابل در ماندگاری سازمان اجتماعی کار، به‌ویژه در کشاورزی ایران، تأکید دارد. او آثار فرهادی را نمونه‌ای برجسته از پژوهش علمی دانست و گفت: «در نوشته‌های استاد، حتی حاشیه‌ها و پاورقی‌ها نیز سرشار از معرفت و نکته‌های ارزشمندند.

کتاب‌های او، از جمله اثر تازه‌اش که جلد نخست آن ۸۴۰ صفحه دارد، با ارجاعات گسترده به منابع داخلی و خارجی، عشق به فرهنگ و سرزمین ایران را بازتاب می‌دهند.» لطیفی با اشاره به توجه روزافزون پژوهش‌های توسعه به متغیرهای اجتماعی و فرهنگی افزود فرهادی سال‌ها پیش این مؤلفه‌ها را در آثار خود مورد توجه قرار داده بود. او از شکل‌گیری «سبک فرهادی» سخن گفت؛ سبکی مبتنی بر یاری‌گری، همزیستی و خرد جمعی که برنامه‌ریزی توسعه را بدون مشارکت مردم و شناخت فرهنگ جامعه ناکارآمد می‌داند.

رئیس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه، فرهادی را پژوهشگری چندوجهی توصیف کرد که در کنار نویسندگی، با شعر، نقاشی و مجسمه‌سازی نیز پیوند دارد. او همچنین از وقف کتابخانه، اسناد و مجموعه آثار ارزشمند فرهادی به دانشگاه علامه طباطبایی قدردانی کرد و خواستار برگزاری نشست‌های علمی با حضور این استاد شد تا نسل جوان از دانش و تجربه چنین سرمایه‌های فرهنگی بهره‌مند شود.



صبوری دهقانی

وقتی مرتضی فرهادی هم پشت تریبون رفت، تعجبش را از پرماندن سالن تا پایان برنامه پنهان نکرد. او گفت حضور و صبوری این تعداد شنونده، چندان با تصور رایج درباره کم‌حوصلگی مردم در روزگار امروز سازگار نیست. فرهادی روایت کرد: «قرار بود این جلسه کوتاه‌تر باشد. دوستان گفتند در فضای مجازی تحقیق کرده‌اند و دیده‌اند که مردم خیلی کم‌حوصله شده‌اند و اینها چند دقیقه بیشتر طاقت گوش دادن ندارند. گفتم: بابا جان! آن مردمانی که شما از طریق این دنیای مجازی می‌شناسید، مردمان قدیمی نیستند؛ مردمان قدیمی که ما می‌شناسیم، صبوری دهقانی داشتند.» او سپس حاضران را به دنیای فراموش‌شده ایرانیانی برد که به گفته‌اش، در مسیر مدرن‌سازی به حاشیه رانده شده‌اند؛ دنیایی که فراموشی آن، امروز پیامدهایی چون فرونشست زمین و خشکسالی را به همراه داشته است. فرهادی برای توضیح «صبوری دهقانی» گفت: «شما حتی اگر بخواهید شلغم بکارید، شش ماه باید کار کنید، زحمت بکشید و منتظر بمانید تا شلغم به دست بیاید؛ چه برسد به کارهای بزرگ‌تر و کشت‌های مشکل‌تر!»

او خطاب به حاضران گفت: «حضور و شکیبایی آنها نشان داد که هنوز در جامعه ما صبوری دهقانی وجود دارد.» استاد دانشگاه علامه طباطبایی سپس از شگفتی‌های فرهنگ ایران گفت: «هرچه بیشتر روی فرهنگ و تاریخ این مملکت، باستان‌شناسی‌اش، زبان‌شناسی‌اش و فلسفه زندگی‌اش فکر می‌کنم، هر روز شگفت‌زده‌تر می‌شوم. این ایران ما چه‌جور ایرانی است؟ ژرفا هم حدی دارد؛ درازا و پهنا هم حدی دارد. خدا گواه است، این فرهنگ اقیانوس است؛ هرچه بیشتر در آن وارد می‌شوید و کار می‌کنید، شگفت‌زده‌تر و متعجب‌تر می‌شوید.»

او به رونمایی از تازه‌ترین کتابش، «کشتکاری، زیست‌بوم‌داری و فرهنگ»، در مراسم بزرگداشت خود اشاره کرد و از دشواری دسترسی به برخی آثار پیشینش، از جمله «موزه‌های در باد» و «واره»، گفت؛ کتاب‌هایی که به گفته او مدت‌هاست در کتاب‌فروشی‌ها پیدا نمی‌شوند.

فرهادی درباره شکل‌گیری کتاب «موزه‌های در باد» توضیح داد: «موضوع این کتاب، معرفی قدیمی‌ترین آثار هنر ایرانیان روی سنگ‌های این سرزمین بود. ما به‌همراه حدود ۱۰۰ نفر از دانشجویان، عکاسان و دیگر پژوهشگران، طی ۲۰ تا ۳۰ سال، کوه‌ها و بیابان‌های ایران را درنوردیدیم و به جست‌وجوی نقش‌هایی پرداختیم که نیاکان ما بر سنگ‌ها به یادگار گذاشته بودند. قدیمی‌ترین این نقوش به حدود ۴۰ هزار سال پیش بازمی‌گردد. در جریان این پژوهش، حدود ۲۵ تا ۳۰ هزار نقش و نماد را در نقاط مختلف ایران شناسایی کردیم که بیشترشان متعلق به دوران پیش از تاریخ بودند.» این کتاب به‌عنوان نخستین کتاب برگزیده در بخش پژوهش سال جمهوری اسلامی ایران انتخاب شد. فرهادی در توضیح اهمیت این یافته‌ها گفت پیش از انتشار «موزه‌های در باد»، تاریخ هنر ایران را حدود پنج‌هزار سال تخمین می‌زدند؛ قدمتی که با نقوش سفالینه‌های تپه سیلک کاشان شناخته می‌شد، هرچند باستان‌شناسان به‌تدریج این تاریخ را به پنج تا شش‌هزار سال پیش عقب برده بودند. او افزود: «اما ما در جریان پژوهش‌های خود با تعداد عظیمی از نقوش در ایران روبه‌رو شدیم که از نظر قدمت، اهمیتی بنیادین داشتند. این نقوش را می‌توان از کهن‌ترین اسناد و شواهد هنر انسان دانست؛ اگر نگوییم در گستره تاریخ بشریت، دست‌کم در گستره فلات ایران، از ارزش و اهمیت تاریخی بی‌نظیری برخوردارند.»

کشاورزی مهربانانه

فرهادی بخش مهمی از سخنانش را به کتاب تازه‌اش، «کشتکاری، زیست‌بوم‌داری و فرهنگ»، اختصاص داد؛ کتابی که جلد اول آن در مراسم رونمایی شد و جلد دومش نیز در دست انتشار است. او گفت، در این کتاب می‌خواهد از فرهنگ شگفت‌انگیز ایرانیان و یافته‌هایش درباره آن سخن بگوید؛ از جمله مفاهیمی که حتی خودش تا چند سال پیش با آنها آشنا نبود: «کشاورزی مهربانانه» و «دامداری مهربانانه.» او گفت: «خود من هم تا چند سال پیش حتی یک‌بار هم اصطلاح کشاورزی مهربانانه یا دامداری مهربانانه را نشنیده بودم. اما حالا می‌بینم نیاکان ما چقدر بافرهنگ بودند!» فرهادی با اشاره به استفاده از دانه‌ها و رام‌کردن دام‌ها در ایران، این تحولات را از زمینه‌های شکل‌گیری زندگی یکجانشینی و کشاورزی دانست. او همچنین از «کی و کاریزی» سخن گفت و آن را با شکل‌گیری شیوه‌های مدیریت آب و کشاورزی در فلات مرکزی ایران پیوند داد؛ شیوه‌هایی که به گفته او، امکان ماندن در سرزمین‌های کم‌باران و همکاری برای حفر کاریز و کشاورزی آبی را فراهم کردند. اما آنچه فرهادی می‌خواست بیش از هر چیز بر آن تأکید کند، سهمی بود که کشاورزان سنتی برای دیگر موجودات زنده از محصول خود کنار می‌گذاشتند. او از حاضران پرسید: «کجای دنیا را سراغ دارید که کشاورزان نه‌فقط برای خود و خانواده‌شان، بلکه برای دیگر موجودات زنده هم کشت‌وکار کنند؟ معمولاً کشاورزان در هر جای جهان برای خود و خانواده‌شان محصول می‌کارند. ممکن است گاهی به همسایه یا نیازمندی هم کمک کنند، اما اینکه از کشاورز خواسته شود بخشی از محصولش را برای دیگر موجودات و روزی‌خواران طبیعت کنار بگذارد، موضوع دیگری است؛ موضوعی بسیار شگفت‌انگیز.»

او برای نشان‌دادن ریشه‌های ادبی این نگرش، به بیتی از نظامی گنجوی اشاره کرد:

«نشاید همه کشتن از بهر خویش
که روزی‌خوراننده از اندازه بیش»

فرهادی سپس از تجربه‌های شخصی‌اش در روستاهای ایران گفت؛ تجربه‌هایی که به گفته او، نشان می‌داد این نگاه تنها در ادبیات فارسی نمانده و در زندگی روزمره کشاورزان نیز جریان داشته است.

او با یادآوری دوران کودکی خود در مهاباد، گفت: «مهاباد شهر کوچکی بود، کشاورزی نداشت، شهری پادگانی بود و ما در محیط شهری زندگی می‌کردیم. اما بعدها که به شهر پدری‌ام رفتیم و با روستاهای ایران و زندگی روستایی آشنا شدم، اولین چیزی که توجهم را جلب کرد، همین رفتار شگفت‌انگیز کشاورزان بود.» به روایت او، هنگام خرمن‌کوبی، هرکسی که به محل خرمن می‌آمد، بدون آنکه کشاورز درباره وضعیت مالی، سن یا شرایط زندگی او پرس‌وجو کند، سهمی از محصول می‌گرفت. فرهادی گفت: «کشاورزان بخشی از محصول خرمن را در جوال، چادرشب یا ظرفی که همراه داشتند، می‌ریختند و به آنها می‌دادند. با دیدن این صحنه‌ها مدام با خودم فکر می‌کردم: این آدم‌ها چگونه می‌توانند حاصل یک سال زحمت و تلاش خود را این‌چنین سخاوتمندانه با دیگران تقسیم کنند؟»

برای چرنده، پرنده و درنده

فرهادی گفت، اولین پژوهش مردم‌شناختی‌اش درباره شیوه آغاز کشت‌وکار در میان کشاورزان ایرانی بود. در جریان این پژوهش، به‌تدریج دریافت که در مناطق مختلف ایران، کشاورزان اولین مشت بذر را به نیت خود و خانواده‌شان بر زمین نمی‌پاشند. او روایت کرد: «آنها وقتی می‌خواستند کشت را آغاز کنند، پس از گفتن «بسم‌الله الرحمن الرحیم»، می‌گفتند: «برای چرنده، پرنده، درنده و...!» یعنی اولین بذر را نه‌فقط برای خود، بلکه برای دیگر موجودات زنده می‌کاشتند.» فرهادی از روستایی در اطراف الیگودرز نیز یاد کرد که اهالی آن، علاوه بر درنظرگرفتن سهمی برای چرنده و پرنده و درنده، یک مشت بذر هم به نیت نیازمندان یکی از روستاهای همسایه می‌کاشتند. او گفت، بعدها دریافت که ادبیات فارسی نیز سرشار از چنین نگاهی است و به ابیاتی از ناصرخسرو، نظامی گنجوی و سعدی اشاره کرد:

«ز باغی که پیشینیان کاشتند
پس‌آیندگان میوه برداشتند»

«چو کشته شد از بهر ما چند چیز
ز بهر کسان ما بکاریم نیز»

سعدی نیز می‌گوید:

«همه برزیگران یکدیگریم»
و نظامی گنجوی چنین سروده است:
«چو در کشت‌وکار جهان بنگریم
همه در کشاورز یکدیگریم»

فرهادی با تأکید بر اینکه سخنش درباره سنت‌های گذشته است، نه لزوماً وضعیت امروز همه مناطق ایران، گفت: «این چه فرهنگی بوده که کشاورز فقط برای خودش و خانواده‌اش بذر نمی‌کاشته، بلکه برای چرنده، پرنده، درنده، نیازمندان روستای همسایه و حتی دیگر موجودات هم سهمی در نظر می‌گرفته است؟ آیا این شگفت‌انگیز نیست؟ آیا نمی‌توان نام این شیوه را «کشاورزی مهربانانه» گذاشت؟»

آموزش مهربانی به حیوانات

فرهادی در بخش دیگری از سخنانش به تصویری روی صحنه اشاره کرد؛ عکسی از کشاورزی که در کنار گاوش مشغول شخم‌زدن زمین است. این تصویر روی جلد کتاب تازه او نیز چاپ شده است.

او از حاضران خواست با دقت بیشتری به عکس نگاه کنند و گفت: «رفاقت گاو و کشاورز را در این تصویر ببینید. دقت کنید؛ کشاورز به جای اینکه خیش را روی شانه ورزا، یعنی گاو نر شخم‌زن بگذارد، آن را روی شانه خودش گذاشته است! به جای اینکه پشت سر گاو حرکت کند، در کنار گاوش راه می‌رود.» فرهادی توضیح داد که این عکس را یک عکاس افغانستانی گرفته و ثبت آن به سفارش او نبوده است، اما به باورش جلوه‌ای از فرهنگ همزیستی در ایران را نشان می‌دهد. او گفت: «ما حتی به جانوران هم یاد داده‌ایم که چگونه در کنار یکدیگر بهتر زندگی کنند. حتماً در ایران دیده‌اید که گاهی یک اردک، جوجه‌مرغ‌ها را به دنبال خود راه می‌اندازد و از آنها مراقبت می‌کند. این رفتارها هم بخشی از همان فرهنگ همزیستی است؛ فرهنگی که انسان در شکل‌گیری آن نقش داشته است.» به تعبیر فرهادی، مهربانی و همزیستی چنان در محیط پیرامون انسان ریشه می‌دواند که جلوه‌هایی از آن را حتی می‌توان در رفتار جانوران نیز مشاهده کرد.

زیست‌بوم‌داری

فرهادی بخش دیگری از کتاب تازه‌اش را به مفهوم «زیست‌بوم‌داری» اختصاص داده است؛ مفهومی که به گفته او، شیوه کشاورزی، فرهنگ و علاقه مردم به زیست‌بوم و سرزمینشان را بازتاب می‌دهد. او با اشاره به یکی از فصل‌های کتاب درباره «درختان مقدس» گفت: «ایرانیان در گذشته هرگز درختان کهنسال را نمی‌سوزاندند و از ریشه درنمی‌آوردند. حتی درختان جوان را نیز تا زمانی که برگ‌هایشان سبز بود، قطع نمی‌کردند.» فرهادی افزود: «این نگرش در باورهای زرتشتی ریشه داشته و پس از مسلمان‌شدن ایرانیان نیز با آموزه‌های دینی، احادیث و روایات تقویت شده است.» او به روایتی اشاره کرد که بر کاشتن نهال حتی در واپسین لحظات زندگی تأکید می‌کند و گفت: «بنابراین، سرزمین ما سرزمینی بوده است که مردمانش نه‌تنها با همنوعان خود، بلکه با جانوران و طبیعت نیز رفتاری سرشار از مهربانی و احترام داشته‌اند.» او در ادامه، خطاب به شینا انصاری، رئیس سازمان حفاظت محیط زیست که در مراسم حضور داشت، از تجربه‌ای محیط زیستی گفت که بیش از پنج دهه پیش آغاز شده بود. فرهادی توضیح داد: «در یکی از اولین سال‌هایی که سفرهایمان به کرمان آغاز شده بود، گروهی از کوهنوردان کرمانی بذر درختان کوهی، از جمله اَلّوک و بَنه و دیگر درختان جنگلی را جمع‌آوری کردند. ما این بذرها را به سرزمین پدری‌ام بردیم و در دامنه کوهی کاملاً عریان و بی‌درخت کاشتیم.» به گفته او، تصاویری که روند تبدیل دامنه‌ای برهنه و بی‌پوشش به منطقه‌ای جنگلی را نشان می‌دهد. فرهادی این تجربه را نمونه‌ای از امکان احیای طبیعت با مشارکت مردم دانست و گفت: «اگر سازمان حفاظت محیط زیست چنین تجربه‌هایی را معرفی و ترویج کند و کوهنوردان و کنشگران محیط زیست نیز با این شیوه‌ها آشنا شوند، می‌توان امیدوار بود که طی پنجاه سال آینده، بسیاری از کوه‌های برهنه و عریان سرزمین دوباره پوشیده از سبزی شوند.»

کتاب‌شنوها

فرهادی که بارها از مخاطبان خواست به جای چرخیدن در فضای مجازی کتاب بخوانند، در بخش دیگری از سخنانش از سنتی کمترشناخته‌شده در زندگی ایرانیان قدیم گفت، «سنت کتاب‌شنوها.» او توضیح داد: «ما در کشوری زندگی می‌کنیم که در گذشته، پدران بی‌سواد ما محتوای کتاب‌های روزگار خود را در حافظه داشتند. من در مقدمه کتاب «واره» به این موضوع اشاره کرده و نوشته‌ام که پدران ما، اگرچه سواد خواندن و نوشتن نداشتند، اما من نام آنها را «کتاب‌شنو» گذاشته‌ام؛ آنها کتاب‌خوان نبودند، اما کتاب‌شنو بودند!» فرهادی درباره این سنت گفت: «در سراسر فصل زمستان، از ابتدای شب تا سپیده‌دم، گروهی از مردم دور هم جمع می‌شدند و با انجام کارهای مختلف، از جمله جداکردن پنبه از دانه‌های آن، به قصه‌ها و کتاب‌هایی گوش می‌دادند که برایشان خوانده می‌شد. در این جمع، فردی باسواد حضور داشت که تا سپیده‌دم برای دیگران کتاب می‌خواند و حاضران همزمان با انجام کارهایشان به آن گوش می‌سپردند. گاهی این شب‌نشینی‌ها چنان طولانی می‌شد که برای پراکنده‌کردن جمعیت و رعایت حال صاحبخانه، یکی از حاضران باید به دیگران یادآوری می‌کرد وقت رفتن است. در چنین لحظاتی، کسی با لحنی طنزآمیز این بیت را می‌خواند:

«هر نیک و بدی که در کتاب است
برهم بزنید که وقت خواب است!»

و به این ترتیب، جمع کتاب‌شنوها پراکنده می‌شد تا شب‌نشینی دیگری برپا شود.»

ایستاده برای مردی بازایستاده

مراسم به پایان رسیده بود، اما اشتیاق حاضران برای دیدار و گفت‌وگو با مرتضی فرهادی فروکش نمی‌کرد. شرکت‌کنندگان گرد او جمع شدند تا تازه‌ترین کتابش را برایشان امضا کند. علاقه‌مندان که کتاب را خریده بودند، در صف ایستادند؛ صفی که با گذشت ساعت از ده شب و تاریک‌شدن هوا نیز از میان نرفت. مسئولان چراغ‌های سالن محل برگزاری مراسم را خاموش کردند تا حاضران آنجا را ترک کنند، اما علاقه‌مندان همچنان دور فرهادی حلقه زده بودند و مراسم امضای کتاب بیرون از سالن ادامه پیدا کرد.

در میان صف، حضور افراد سالخورده و ریش‌سفید بیش از جوانان به چشم می‌آمد؛ آنها نیز مشتاق بودند کتابشان را با امضای نویسنده به خانه ببرند. مسئولان بلدیه پی‌درپی تذکر می‌دادند و شاید در دل همان بیت آشنای کتاب‌شنوها را زمزمه می‌کردند تا هرچه زودتر در سالن را ببندند و به خانه بروند:

«هر نیک و بدی که در کتاب است
برهم بزنید که وقت خواب است!»

اما آن شب، انگار کسی قصد نداشت کتاب را ببندد. جمعی ایستاده بودند تا از مردی امضا بگیرند که سال‌ها برای شناخت فرهنگ و سرزمین ایران ایستاده بود.

دکتر پاپلی یزدی استاد پیشکسوت جغرافیا، معتقد است مرتضی فرهادی با واکاوی فرهنگ «یاری‌گری» و «تعاون سنتی»، راز پایداری و تاب‌آوری ایران را در کار جمعی و همبستگی تاریخی نشان داده است. فرهادی فراتر از مستندسازی سنت، راهکارهایی عملی برای انسجام اجتماعی در دنیای مدرن ارائه می‌دهد؛ یعنی بدون شناخت فرهنگ پایه و چند هزارساله، ایجاد همبستگی در صنایع و نهادهای جدید ممکن نیست

دکتر رضا لطیفی، رئیس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، با ستایش از اهدای کتابخانه شخصی مرتضی فرهادی به این دانشگاه، بر ضرورت بهره‌گیری از خرد جمعی برای حل چالش‌های توسعه و لزوم نشست‌های علمی برای آشنایی نسل جوان با این مشعل فرهنگ تأکید کرد

برش

کرسی آموزشی «مرتضی فرهادی» در دانشگاه علامه طباطبایی تصویب شد

میثم مهدیار، عضو هیأت علمی مطالعات فرهنگی دانشگاه علامه طباطبایی، در رویداد «باز ایستاده»، همنشینیِ یاریگرانه با استاد مرتضی فرهادی از تصویب «کرسی آموزشی مرتضی فرهادی» با عنوان فرعی «مردم‌شناسی توسعه در ایران» در این دانشگاه خبر داد. این عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی با اعلام این خبر تصریح کرد: «ما در گروه مطالعات فرهنگی دانشگاه علامه طباطبایی، کرسی آموزشی مرتضی فرهادی را با عنوان فرعی «مردم‌شناسی توسعه در ایران» تصویب کرده‌ایم و ان‌شاءالله از ترم آینده، این درس به‌صورت جمعی و با حضور استادانی که خود را از شاگردان و دوستان مرتضی فرهادی می‌دانند، برگزار خواهد شد.» مهدیار اظهار امیدواری کرد که راه‌اندازی این کرسی آموزشی، مقدمه‌ای برای توجه جدی‌تر و دانشگاهی به روش و منش این پژوهشگر برجسته اجتماعی ایران باشد.

مهدیار با ارزیابی سیر توجه به اندیشه‌های استاد فرهادی طی سال‌های اخیر گفت: «در یک دهه اخیر، اندیشه مرتضی فرهادی، هم در وجه مردم‌نگارانه و هم در وجه نظریه‌پردازانه، مورد توجه قرار گرفته و جلسات، مقالات و ویژه‌نامه‌های مختلفی برای فهم ایده‌های وی و نظریه «صنعت بر فراز سنت» شکل گرفته است. اما متأسفانه هنوز این ایده و اندیشه وارد سیاست‌گذاری توسعه ما نشده و معمولاً شکافی میان نظر و عمل وجود دارد که امیدواریم این شکاف به‌زودی برطرف شود.»

عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی با آسیب‌شناسی کج‌فهمی‌های موجود درباره نظریات فرهادی افزود: «معمولاً در کلاس‌ها و نشست‌های آکادمیک، وقتی نام مرتضی فرهادی برده می‌شود، برچسب داشتن نگاه «سنت‌گرایانه» یا «نوستالژیک به فرهنگ» به ایشان زده می‌شود. این در حالی است که آشنایان با نظریه او می‌دانند فرهادی، اگرچه به تاریخ، فرهنگ و سنت ایران علاقه‌مند است، ابداً در چارچوب سنت‌گرایی دسته‌بندی نمی‌شود.»

وی در تبیین تفاوت نگاه فرهادی با سنت‌گرایی خاطرنشان کرد: «سنت‌گرایی هر آنچه در گذشته بوده را مقدس و ارزشمند می‌داند، اما فرهادی به‌جای چنین رویکردی، تلاش می‌کند ساختارها و تجربیات تاریخی موجود در سنت را که امکان به‌کارگیری در امروز را دارند، شناسایی و بخشی از سنت را در خدمت توسعه‌ای پایدار و فرادادی بازخوانی کند. از این‌رو، برای دکتر فرهادی، تمامی سنت و آنچه در گذشته رخ داده، ارزشمند تلقی نمی‌شود.»

وی با نقد ساختار آموزشی موجود در علوم اجتماعی و سایر رشته‌ها بیان کرد: «این عقلانیت تاریخی در جریان اصلی علوم اجتماعی ما غایب است. در برنامه‌های آموزشی، تقریباً هیچ اشاره‌ای به تاریخ، بوم، فرهنگ و ادبیات ایران نمی‌شود و افراد تا مقاطع عالی و هیأت علمی پیش می‌روند بی‌آنکه حتی دو واحد در این زمینه‌ها گذرانده باشند؛ وضعیتی که در رشته‌های فنی، کشاورزی و پزشکی به‌مراتب بدتر است. حتی در درس جامعه‌شناسی تاریخی نیز دوباره نظریه‌های غربی تدریس می‌شود. فرهادی نشان داده است که این تصویر از توسعه پایدار، به‌دلیل عدم ارتباط با بوم و اقتضائات تاریخی ما، خود ناپایدار است.»

این استاد دانشگاه با بررسی رویکردهای رادیکال «پساتوسعه» (Post-Development) نظیر دیدگاه‌های زاکس، اسکوبار و مجید رهنما که با تکیه بر نظریات پست‌مدرن و پساساختارگرا درصدد توجه به دانش بومی برآمدند، گفت: «بسیاری می‌کوشند فرهادی را ذیل نظریات پساتوسعه صورت‌بندی کنند، اما او حتی فراتر از پساتوسعه قرار می‌گیرد؛ زیرا رگه‌ای بسیار قوی از نقد پست‌مدرنیسم در آثارش مشهود است.»

مهدیار با اشاره به مفهوم «پست‌مدرن» در آثار فرهادی افزود: «او نقد می‌کند که «هم‌ترازی موضوعات» و هم‌ارز ساختن همه‌چیز به عنوان یک روایت در جریان‌های پست‌مدرن، یکی از سویه‌های اصلی آسیب‌رسان به بوم و محیط زیست است. فرهادی در مقاله «نان شب مردم‌نگاران» تأکید می‌کند که در شرایط بحرانی، همه‌چیز یکسان نیست و باید موضوعات خاصی به دستور کار مردم‌شناسی تبدیل شده و اولویت یابند. بر همین اساس، او خود را در برابر پست‌مدرن‌ها تعریف کرده و هشدار می‌دهد که هم‌ترازی معرفتی آنان، علوم اجتماعی و عقلانیت را به محاق می‌برد.»

مهدیار، مرتضی فرهادی را «پرافتخارترین پژوهشگر اجتماعی ایران» نامید و ابراز امیدواری کرد که تصویب کرسی آموزشی وی، گامی عملی در جهت بازخوانی علمی روش و منش این استاد برجسته باشد.